

فضول باشی و پیروزی شهرداری گرگان

فضول باشی گفت: عجب بازی بود، اوج احساس و شور و حساسیت در این مسابقه موج میزد، آن هایی که تماشای این دیدار را از طریق جعبه جادویی از دست دادند، ضرر کردند. در رقابت ورزشی چنین اتفاقاتی که در تاریخ ماندگار می شود، خیلی کم روی می دهد.

گفتم: مرد مؤمن، با زبان روزه و با حرارت از ویژگی های یک مسابقه سخن می گویی، اول بگو که منظور کدام دیدار است که این قدر به دلت نشسته و تو را واله و حیران کرده است.

گفت: سومین فینال لیگ برتر بسکتبال منظور من است. چه بازی بود، در ثانیه های آخر بارها جایگاه قهرمان عوض شد. این مسابقه اگر تماشاگر داشت چه لحظه هایی که ثبت نمی شد. اوج زیبایی بسکتبال و هنر بازیکنان آن در این بازی به نمایش گذاشته شد. شک نکن که این دیدار و حرکت زیبای بازیکن گرگان و کسب سه امتیاز در دو صدم ثانیه مانده به پایان مسابقه، خیلی ها را به این رشته علاقه مند کرد. چه لذتی بردیم از این بازی و چه کیفی کردیم. آنچه از تلویزیون دیدیم، همه چیز عالی بود. خلاصه، ای کاش لیگ های برتر همه رشته های ورزشی چنین پرشور باشند و تماشاگران را با عظمت و بزرگی و تأثیر روحی و روانی ورزش آشنا نمایند.

به فضول باشی گفتم: تو این حرفها و تعریف و تمجید از یک جمعی را بدون هدف بر زبان نمی آوری. تو کجا و فصیده بلند خواندن در وصف یک تیم کجا، اصلاً به قیافهات و سابقهات نمی خورد. تو با این قبیل موضعگیری ها غریبه ای مگر اینکه هدفی پشت آن بوده باشد. با زبان روزه عذابمان نده، حرفت را بگو و خلاص.

فضول باشی غضب آلود نگاهم کرد و گفت: اسم تیم را بگو، می ترسی، یا حساب و کتابی در میان است که جرئت نمی کنی نام تیم را اعلام نمایی؟ تو که ادعای خبرنگاری و آشنایی به امور ورزش را داری اگر اسم تیم را میدانی بگو تا من قصد نهایی ام را از طرح این موضوع بیان بکنم.

گفتم: خوب، شهرداری گرگان، راحت شدی، تو چرا به این اسم حساسیت داری؟

گفت: حالا شد، خان پسر. شهرداری گرگان با شهرداری اردبیل تفاوت دارد؟ چند روزی است که موفق به حل این معادله نشده‌ام. نکند تشکیلات شهرداری گرگان یک مجموعه مستقل است؟ اصلا گرگان فرمانداری و بازرسی دارد؟ مگر شهرداری آن شهر زیر نظر وزارت کشور نیست؟ آیا لیگ برتر بسکتبال رقابت‌های حرفه‌ای بوده و یا آماتور است؟ نکند عنوان شهرداری بر روی تیم قهرمان یک عنوان عاریتی و تشریفاتی است؟

گفتم: این سؤالات را چرا مطرح می‌کنی؟ در این مملکت اگر قانونی و یا بخشنامه‌ای است در همه نقاط باید ساری و جاری بشود. تهران و گرگان و اردبیل و شیراز نداریم. تو بیکاری؟ در ایامی که فکر و ذکر باید به روزه و عبادت باشد، نشستی و دو دو تا چهارتا می‌کنی و از حرف زدن پشت سر این و آن دست نمی‌کشی.

فضول باشی آه عمیقی کشید و گفت: من حرف بدی که نزدم، مگر به کسی اتهام زدم و یا خدای ناکرده حاشیه‌سازی کردم. من یک جمله می‌گویم اگر جواب آن را میدانی با گفتنش یک سیلی محکم بزن دهانم و همه چیز را ختم به خیر کن. من می‌گویم چرا شهرداری گرگان می‌تواند در لیگ حرفه‌ای تیم‌داری بکند و حتی بازیکن خارجی در اختیار بگیرد ولی شهرداری اردبیل نتواند یک تیم فوتبال در لیگ آماتور دسته سه تحت پوشش قرار بدهد؟ همت بکنند و علت این رفتار دوگانه را بگویند و برای همیشه به این بحث‌ها خاتمه بدهند.

گفتم: فضول باشی عزیز و گرامی، در آستانه انتخابات شورا رابطه ما را با خیلی‌ها تیره نکن. به نظرم مهم‌ترین تفاوت‌ها را باید در مسئولین مناطق مختلف جستجو کرد. در شهری مثل گرگان به ورزش و نقش آن در جامعه و ادای وظیفه در قبال جوانان فکر می‌کنند ولی در شهر ما این قبیل مسائل گویا جایگاهی ندارد. در آن مناطق چون اراده‌ای برای کمک به ورزش و جوانان وجود دارد، فکر می‌کنند، چاره می‌اندیشند، همه دست به دست هم می‌دهند و برای رسیدن به هدف تلاش می‌کنند و اینجا مسائل در باندبازی‌ها و جناح‌بازی‌ها خلاصه می‌شود.

گفت: اشتباه نکن، ما هم خوب برنامه می‌ریزیم و برای رسیدن به هدف می‌جنگیم ولی کمی تا مقداری به خود و اطرافیان بیشتر اهمیت می‌دهیم. آن‌هایی که باید به فکر مردم و انجام وظیفه باشند حالا در اندیشه تشکیل تیم

و حمایت از کاندیداهای شورا و محکم کردن پیچ‌ها برای ماندن در

مسئولیت‌ها هستند. راست هم می‌گویی ما را چه به فعالیت در ورزش و تیم داری، ولی شک نکن که این وضعیت قابل تحمل نیست اما اگر همتی بشود اوضاع ورزش می‌تواند بر وفق مراد باشد.